مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال سوم)
شماره۷/ بهار ۱۳۹۶ / ص۲۴-۱۳

مسئولیت مدنی دولت در قبال ریزگردها ناشی از اراضی ملی رها شده و خشک نمودن تالاب هورالعظیم در استان خوزستان

یوسف محمدحسینی حاجی ور[۱]، جمشید میرزایی[۲]، ابراهیم موسوی[۳]

[۱] دانشجوی دکترای حقوق خصوصی گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی خرم آباد ایران

[۲] گروه حقوق خصوصی استادیار و عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد خرم آباد ایران

[۳] گروه حقوق استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد ایران

نام نویسنده مسئول:
جمشید میرزایی

چکیده

حق محیط زیست سالم وعاری از هرگونه آلایندگی از حقوق بنیادین افراد است و در صورت ورود زیان ، جبران ضررهای واردآمده به آن ضروری است. بدین ترتیب، یک تعهدی قانونی به وجود می آید. دولت با اعمال خود که مشتمل بر عدم احیاء اراضی و واگذاری اراضی متعلق خود ، به مردم و حفر چاه‌های نفت و گاز به خشک کردن تدریجی تالاب و بیابانی شدن اراضی پرداخته، هر چند که اعمال حقوق مالکانه ، استقرار دارد مزاحم حقوق دیگران نباشد. دولت با اقدامات خود در منطقه ، ریزگردهایی را به بار آورده که جان هزاران انسان و بهداشت عمومی را به مخاطره انداخته ، در قبال زیان دیدگان چه مسئولیت هایی وجود دارد؟

واژگان کلیدی: آلودگی _ کسب منفعت_محیط زیست _ اصل لاضرر_ جبران خسارت .

مقدمه

محیط زیست، موهبت و نتیجه ی لطف الهی به بشر است و بر همین اساس، به همه ی انسان ها تعلق دارد تا همانند سایر نعمت ها و مواهب الهی مورد استفاده ی خردمندانه قرار گیرد. امانتداران محیط زیست گاهی نه تنها وظیفه ی حمایت از مواهب طبیعی را به جا نمی آورند، بلکه با اقدامات یا ترک وظایف خود، مقدمات ویرانی محیط زیست را نیز فراهم می کنند و از آنجا که معضلات مربوط به محیط زیست چند سالی است دیدگان نگران بشر را به خود معطوف داشته است، قانونگذاری های چندانی، خصوصاً در کشور ما در زمینه ی حمایت از محیط زیست و شیوه های جبران خسارت های وارد بر آن صورت نگرفته است تا در وهله ی اول از آلودگی های محیط زیست جلوگیری شود و در مرحله ی بعد اگر خسارتی به محیط زیست وارد آمد، از راه های مناسب جبران شود.

یکی از مشکلات قوانینی که براساس آنها در کشور ما می توان خسارت های زیست محیطی را جبران کرد ، نبودن مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی دولت در آن قوانین است. چراکه به طور معمول دادگاه ها به موجب قوانین، براساس نظریه ی تقصیر، آلوده کنندگان محیط زیست را به جبران خسارت محکوم می کنند که این نظریه در مباحث زیست محیطی مشکلات فراوانی را به دنبال دارد، زیرا اثبات تقصیر آلوده کننده کاری بس دشوار است از این حیث دشوار است که بتدریج حاصل می گردد ، و زمانی که آلودگی های زیست محیطی به طور مستقیم زیان دیدگانی هم داشته باشد، انگیزه ی قربانیان برای طرح دعوا و مطالبه ی خسارت کاهش پیدا می کند. این دشواری در جایی که عامل زیان، دولت باشد، دوچندان می شود، چراکه ساختار دولت متشکل از کارکنانی است که ممکن است اقداماتشان بدون ارتباط به دستگاه دولتی موجب خسارت های زیادی به محیط زیست شود، در نتیجه زیان دیده در پیچ و خم های اثبات رابطه ی سببیت بین فعل یا ترک فعل عامل زیان و زیان وارده و بعد اثبات تقصیر عامل زیان (ارکان مسئولیت مدنی)گرفتار می شود و چه بسا از طرح چنین دعوایی منصرف شود. با توجه به مطالب مذکور، در این مقاله پس از بررسی مبانی مختلف مسئولیت مدنی دولت با عنایت به مبحث ریزگردها، بهترین مبنا برای پیشگیری و جبران خسارت های زیست محیطی که از اقدامات دولت ناشی می شود، برگزیده می شود.

دولت با اقدامات منفعت طلبانه و نسنجیده به منظور حفر چاه های نفت در تالاب هورالعظیم استان خوزستان، وعدم توجه به مبحث کارآفرینی (واگزاری اراضی کشاورزی به مردم جهت احیاء) به غبارها و ریزگردهایی دامن زده است که جان انسان های بی شماری را به مخاطره انداخته است. در این تحقیق ابتدا به طور اجمالی به بررسی پدیده ریزگردها و راه های مقابله با آن؛ سپس به تشریح مسئولیت مدنی دولت در قبال این ریزگردها از دید حق بر داشتن محیط زیست سالم می پردازیم.

مفهوم آلودگی های زیست محیطی

آلودگی ترجمه واژه ی Pollution است. این اصطلاح مشتق از کلمه یونانی پلوتوس Pollutus می باشد که از معنای ناپاکی و کثیفی گرفته شده است. (مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۴) از نظر اصطلاحی تعاریف مختلفی برای آلودگی ذکر شده است، چرا که همگان بر سر تعریف یکسانی از آلودگی به توافق نرسیده اند. یکی از مشکلات ارائه ی تعریفی مناسب از آلودگی تمایز بین منابع آلاینده ی انسانی و منابع آلاینده ی طبیعی است که موجب می شود برخی محققان برای مثال آتشفشان را که یک پدیده طبیعی است، به عنوان آلوده کننده محیط زیست در نظر نگیرند. (عرفان منش، ۱۳۸۱: ۲-۱)

طبق ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه ی ۷۱/۸/۲۴): «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد؛ با توجه به این تعریف هر تغییری در محیط زیست آلودگی محسوب نمی شود، بلکه باید آن تغییر برای موجودات یا ابنیه مضر باشد. همچنین این تغییر، محیط را در مبنای بیوسفر که اعم از محیط هوا، خشکی و آب است، در نظر گرفته است. (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

بند یک: ریزگردها و مشخصات آنها

ریزگرد، ذرات معلق کوچک اعم از جامد و مایعی است که در هوا یافت می شوند. درحقیقت این نوع از آلودگی هوا شامل هر نوع ماده شناور در هوا می شود. این ذرات و مواد شناور شامل گرد و غبار و دود و ذرات قابل رویت تا ذرات ریز میکرونی دیگر می شوند. محتوای این ذرات نیز از شن‌های درشت تا فلزات گوناگون، با توجه به جغرافیای محل و مشخصات خاک‌ها و محیط جغرافیایی متغیرند. در علم آلودگی هوا گاهی تحت عنوان آئروسل Aerosol از آنها یاد می‌شود و منظور از آن پراکنده شدن یک ماده جامد یا مایع در هوا است. (اسپیدینگ، ۱۳۷۱: ۲۲)

منشاء افزایش این ریزگردها در هوا نیز گوناگون بوده و ممکن است منشأ طبیعی یا مصنوعی داشته باشند. (همان، ۲۲) فعالیت‌های انسانی نظیر کشاورزی تا فوران آتشفشان، کویر زایی، طوفان و نظایر آن را شامل می شود. (بوتکین، ۱۳۸۲: ۴۶۳)

بند دوم : عوامل دولتی دخیل در تشدید ریزگردهای تالاب هورالعظیم

رها نمودن اراضی ملی و خشک شدن هورالعظیم چه در ایران و چه در عراق میزان وقوع طوفان‌های ریزگردی را افزایش داده است و باعث شده استان خوزستان با گرد و غبارهایی حدود ۲۱ برابر استاندارد مواجه شود. (سواری، ۱۳۹۲: ۵)

کمبود آب ناشی از احداث سد در مسیر رودخانه‌های منتهی به این تالاب آسیب‌های قابل توجهی به این زیستگاه وارد کرده است. پیش از این گزارش شده بود که خشک شدن بخش‌های وسیعی از این زیستگاه عظیم در جنوب غرب ایران نقش مهمی در به راه افتادن توفان ریزگردی و گرد و خاک در منطقه داشته است.

در دوران پس از انقلاب۵۷ زیرمجموعه‌های شرکت ملی نفت ایران در این منطقه با جاده‌سازی غیرضروری، عدم رعایت عرض مورد توافق درباره‌ٔ جاده‌هاح، دفع پسماندهای حاصل از حفاری چاه‌ها و پساب‌های تخلیه‌شده در تالاب، به محیط زیست این تالاب آسیب زده‌اند. به دنبال فعالیت‌های صنعت نفت در منطقه، ارتباط آبی بین بخش‌های مختلف تالاب هورالعظیم برقرار نیست و به همین دلیل این تالاب در برخی قسمت‌ها به حالت مرداب درآمده است.

در راستای مطالب مذکورهمچنین می بایست افزود که مسئولان محلی اقلیم اهواز وزارت نیرو "حق آبه" محیط زیست که همان (حداقل آبی) است که باید بر زمین ها و تالاب ها رها سازی شود تا خشک نشوند، را رعایت نمی کند و به بهانه های زیادی از رعایت حق انسان در داشتن آب شربی مناسب و رعایت حق طبیعت در داشتن آب کافی با میزان معقولی از نمک طفره می رود.

با کاهش چشمگیر آورد آب در رودخانه های کارون، دز، کرخه و جراحی در نتیجه انتقال آب به خارج از اقلیم اهواز و محبوس ماندن آب این رودخانه ها در مخازن ده ها سد (سدهایی که در مناطق کوهستانی استان های مجاور خوزستان و در کوهستان شمال و شمال شرق اقلیم اهواز) قرار دارند و به حالت احتضار در آمدن این رودخانه ها و آلودگی شدید باقی مانده آب ها در بستر رودخانه ها توسط پساب آب ها و فاضلاب های شهری، صنعتی و کشاورزی، شریان حیات تالاب ها را به شدت در معرض تهدید قرار داده است.و چنانچه طرح انتقال آب کوهرنگ به مناطق مرکزی کشور عملی شود آثار جبران ناپذیری بر حیات این استان وارد خواهد شد.

علاوه بر این عامل باید به تخریب هورالعظیم توسط شرکت نفت اشاره کرد. شرکت نفت پس از دریافت مجوز فعالیت از کمیسیون اقتصادی دولت چند سالی است که فعالیت حفاری و استخراج نفت در تالاب العظیم را به سرعت هرچه تمام تر دنبال می کند. شرکت نفت در حال ایجاد حدود صد چاه نفت در این تالاب است و برای هر چاه نیاز به تاسیس جاده و دکل و تاسیسات دیگری دارد که نابودی کامل تالاب را رقم خواهد زد

یکی دیگر از تهدیدهای هور العظیم طرح های غلط نظام است. طرح دایک یکی از این طرح ها است. این طرح به منظور نجات هور العظیم از خطر خشکی کامل، صورت گرفته بود. طبق این طرح خاکریز بلندی در روی مرز ایران و عراق در هور العظیم برپا شد تا بخش عراقی تالاب را از بخش ایرانی آن جدا کند و به این ترتیب سطح آب در بخش ایرانی تالاب بالا رود و تالاب از خشکی نجات یابد (به ادعای آنها شیب زمین به سمت عراق است و سبب سرازیر شدن آب به آن سو می شود). این طرح نه تنها نتوانست میزان آب هور را بالا ببرد (با بالا رفتن سطح آب، خاکریز زیر آب رفت و عملکرد خود را از دست داد) این امر باعث از بین رفتن ارتباط طبیعی تالاب با دیگر بخش آن شد و در پی آن میزان ماهی ها و آبزیان کاهش چشمگیری پیدا کرد و ضربه سنگین بر پیکره این تالاب ها وارد ساخت.

از دیگر عوامل تشدید کننده آلودگی محیط زیست، طرح نیشکر است. این طرح از لحاظ نتایج زیان باری که دارد را می توان با طرح امنیتی حزب بعث عراق در خشکاندن تالاب های این کشور دهه ۹۰ مقایسه کرد. طرح توسعه نیشکر با ویران کردن حدود ۹۰ روستای عرب، بیش از ۳۰۰ هزار عرب اهوازی را آواره ساخت و آنها را مجبور به حاشیه نشینی در کمربند فقر و بدبختی در حاشیه شهر اهواز ساخت.

بند سوم : مالکیت دولت برمنابع طبیعی و ملی، تالاب هورالعظیم و تصرفات منفعت طلبانه در آنها

دولت بخش متنوعی از زمین ها را جزء اموال ملی خود محسوب می کند که بنابر قوانین محیط زیست و منابع طبیعی، تجاوز به این حریم ها، جرم و پیگرد قانونی دارد. برای مثال دولت در ماده ۲ پیشنهاد لایحه جامع منابع طبیعی بیان می دارد که: منابع طبیعی موضوع این قانون عبارتست از کلیه عرصه و اعیانی جنگل ها، مراتع، بیشه‌های طبیعی، اراضی جنگلی، دریاها و دریاچه ها و تالاب ها و حریم قانونی آنها، اراضی مستحدث، اراضی ساحلی، اراضی موات، کویرها، اراضی بیابانی و همچنین سایر منابع از قبیل؛ جنگل های دست‌کاشت، پارک های جنگلی و نهالستان ها و ایستگاه های تولید بذر و نهال که توسط دولت ایجاد شده یا خواهد شد جملگی جزء اموال عمومی ملی محسوب می شوند.

این مناطق که به نوعی مناطق چهارگانه حفاظتی اعم از جنگل، مرتع، بیشه، اراضی جنگلی، بیابان و کویر می باشند، می بایست به سمت توالی طبیعی هدایت شود و در هسته مرکزی خود بدون هیچ دست خوردگی کاملاًبکر مدیریت می شود. هسته مرکزی مناطق چهارگانه

برای همهٔ اشخاص حقیقی و حقوقی به جز برای عملیات اطفای حریق، مناطق عبور ممنوع اعلام می شود. مأمورین منابع طبیعی و محیط زیست مکلفند این مناطق را به صورت ویژه و خاص کنترل نمایند.

در حقوق ایران، ظاهرا بعد از استقرار مالکیت، مالک نسبت به مایملک خود، حق هرگونه تصرف و انتفاع را دارد، بنابراین از امکان اعمال حقوق فوق معلوم می شود که مالک می تواند انواع تصرف را در مایملک خود، اعمال نماید. لذا، مالک می تواند حق هرگونه دخل و تصرفی که به موجب قوانین و مقررات مزاحم حقوق دیگران نباشد، در ملک خود انجام دهد.

یا در رابطه با مراتع و جنگل ها، ماده ۵۹ این قانون و یا ماده ۷۲ این قانون اقرار می دارد که : هرگونه تبدیل، تغییر کاربری و واگذاری عرصه و اعیان منابع طبیعی منابع غیر قابل واگذاری جرم تلقی می شود. آمر و عامل و تنظیم کننده گان گزارش برخلاف قانون علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از یک تا سه برابر بهای اراضی یاد شده به قیمت روز و علاوه بر مجازات های مذکور حسب مورد به انفصال از خدمات دولتی از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد. چنانچه متخلفین از کارکنان دولت و کشوری باشند بر حسب گزارش تخلف اداری در محاکم مرتبط و اگرکارکنان غیر کشوری باشند پرونده از طریق دادگاه مرتبط رسیدگی خواهد شد.

قوانین مذکور، همچنین شامل تالاب ها نیز می گردد. برای مثال، ماده ۴۹ این قانون: هرگونه تبدیل، تغییر کاربری، واگذاری عرصه و اعیان جنگل های طبیعی و دست کاشت، بیشه های طبیعی، نهالستان‌ها، چمنزارها و سطوح علوفه چینی مراتع، پارک ها و ذخیره گاه های جنگلی و مرتعی، ایستگاه های تولید بذر، حوزه‌های آبخیز زوجی، محدوده ایستگاه های پایش و اندازه‌گیری آبخیزداری، بستر و حریم رود خانه ها و انهار، حریم روستاها، حریم قانونی تأسیسات دولتی، راه های مسیر کوچ ایل نشین‌ها و حریم مربوط به آنها و همچنین آن قسمت از منابع طبیعی کشور که به عنوان مناطق چهار گانه بر حسب موافقت سازمان در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست قرار گرفته یا می گیرد، مطلقاً ممنوع است.(http://www.angorej39.blogfa.com/9101.aspx)

در راستای مطالب مزبور، می بایست به این نکته مهم اشاره نمود که به صرف تشخیص اراضی غیرمستثنیات، مالکیت دولت نسبت به آن اراضی استقرار پیدا می کند، عدم صدور سند مالکیت رسمی به نام دولت جمهوری اسلامی ایران، نافی مالکیت دولت نسبت به آنها که به ترتیب مقرر در ماده ۱ تصویب نامه قانون ملی شدن جنگل های کشور مصوب ۱۳۴۱ احراز شده و قطعیت یافته باشد نخواهد بود. از یک طرف، دولت در مقام اعمال حق مالکیت خود بر اراضی و تالاب ها که به جهت کشف و استخراج معادن آنها دست به یکسری اقداماتی ممکن است بزند که صرف نظر از تأمین رفاه عمومی، امکان فراهم شدن، از بین بردن محیط طبیعی و ایجاد آلوده نمودن محیط پیرامون، حق حیات اشخاص نزدیک به این محیط ها را دستخوش تغییرات قرار دهد و از سوی دیگر عدم داشتن برنامه ریزی درست دولت برای واگذاری زمین به دانش آموختگان رشته های مرتبط ناشی از ترک فعل می تواند مبنای بروز بسیاری از هنجارهای پیش آمده باشد.

دولت در چرخه طبیعی محیط زیست دست برد و با ایجاد تغیراتی حساب نشده در این چرخه سبب شد تا محیط زیست اقلیم اهواز تعادل خود را از دست بدهد و نتواند در مقابل طوفان های شن ایستادگی کند. محیطی که دستخوش تغییرات قرار گیرد و برنامه منسجم از قبل نداشته باشد، به تبع محیط زیست را تحت تأثیر قرار می دهد و باعث عوارضی چون ریزگردها خواهد شد.در سیاست انتقال آب رودخانه های اقلیم اهواز به فلات مرکزی ایران در حقیقت مسئولان نظام مصالح گروهی خود را بر مصلحت ملت چند میلیون نفری خوزستانی و دیگر بومیان و مهاجران در این اقلیم، ترجیح می دهند. آنها آب که حق مسلم این اقلیم و مردمان آن است را بدون پرداخت هیچ هزینه ای و بدون رعایت حق ساکنان اصلی اقلیم اهواز در این منابع طبیعی، آن را از سرچشمه ها به سوی مناطق کویر مرکزی ایران منحرف می کنند.

در مورد سیاست های سد سازی نیز باید گفت که حرص و طمع دولت در تولید برق سبب شده است تا حکومت مرکزی ایران حق طبیعی ساکنان اصلی اقلیم اهواز را نادیده بگیرد و سود اقتصادی حاصل از تولید برق را بر حق این ملت در داشتن محیط زیستی سالم ترجیح دهد و به هزینه نابودی کامل محیط زیست اقلیم اهواز تولید برق را بالا برد.

اما مسئله عجیبی که توجه هر تحلیل گری را به خود جلب می کند تعارض آشکار در طرح های انجام شده توسط جمهوری اسلامی است. انتقال آب از سرچشمه های رودخانه های اقلیم اهواز به فلات مرکزی ایران با طرح سدسازی با هدف تولید برق متعارض است. همچنین سیاست تاسیس طرح های با مصرف بالای آب همچون طرح توسعه نیشکر با سیاست های انتقال آب و ذخیره سازی آن در پشت سدها تعارض کاملا آشکاری دارد. این تعارض ها در طرح های انجام شده توسط جمهوری اسلامی نشان از کشمکشی دارد میان گروه های داخل نظام بر سر غارت منابع طبیعی اقلیم اهواز. فاجعه های مذکور را می توان نتیجه مستقیم سیاست های حکام دولت مرکزی ایران دانست.(http://www.padmaz.org/arabicwp/?p=210)

بند چهارم : عوارض ریزگردها بر زندگی مردم

به گزارش خبرنگار مهر، ریزگردها به عنوان نمادی از درهم ریختگی اکولوژیکی که برای حیات گیاهی، جانوری و انسانی بسیار خطرناک هستند به شمار می آیند. ریزگردها روزنه های ریز در برگ گیاهان و درختان را گرفته و عمل تنفس را مختل می کنند. چرخه زیستی

جانوران مثل زاد و ولد و مهاجرت با فراوانی ریزگردها دچار بی نظمی می شود. علاوه بر اثرات مخرب روانی، بر روی انسان بیماری های ریوی و تنفسی را نیز تحمیل می کنند و در مجموع می توان گفت ریزگردها در حوزه های بهداشت و سلامت، اقتصاد، محیط زیست و امور اجتماعی هزینه های بالایی را بر ما وارد می کنند.

اما این ریزگردها تنها جسم و جان مردم را هدف نگرفته است بلکه از نظر اجتماعی، اقتصادی و روانی نیز زندگی مردم را دستخوش تغییراتی کرده است از جمله آنها به اثرات گرد و خاک بر روح و روان مردم، اثرات اقتصادی بر زندگی مردم و استان، از بین رفتن محصولات کشاورزی که بر اقتصاد کل کشور تاثیرگذار است و... می توان اشاره کرد. (http://www.mehrnews.com/new)

ریزگردها به محیط زیست، سلامتی و اقتصاد مردم خوزستان خسارت‌های فراوانی وارد ساخته است. به گزارش گروه "رسانه‌ها" خبرگزاری تسنیم، سال‌هاست که گردوغبار میهمان استان‌های غربی به ویژه خوزستان است این پدیده زندگی ساکنان غرب کشور را تحت تاثیر خود قرار داده است و به محیط زیست، سلامتی و اقتصاد آنان خسارت‌های فراوانی وارد ساخته است. ریزگردها عامل خطرناکی برای حیات گیاهان، حیوانات و انسان محسوب می‌شود. ریزگردها روزنه‌های کوچکی که بر روی برگ گیاهان است مسدود و عمل تنفس گیاه را مختل می‌سازد.

ریزگردها همچنین بر سلامتی حیوانات نیز تأثیر منفی می‌گذارند و چرخه زاد و ولد آنها را بر هم می‌زند و حتی باعث تلف شدن حیوانات می‌گردد. گردو غبار علاوه بر تاثیرات مخرب بر روی انسان، بیماری‌های تنفسی و ریوی را بر او تحمیل می‌کند و هزینه‌های جامعه را در حوزه‌های بهداشت و سلامت، اقتصاد، محیط‌زیست و امور اجتماعی بالا می‌برد. به دلیل تحریک گرد و غبار، بسیاری از بیماری‌های دامی به خاطر وجود عوامل معلق در هوا و یا به دلیل ایجاد استرس دردام‌های سبک و سنگین بروز می‌کند. وجود ریزگردها موجب ایجاد آثار منفی در سیستم تنفسی پرندگان و ایجاد اختلال در سیستم ایمنی پرنده می‌شود که این موضوع، آسیب‌پذیری پرندگان در برابر عوامل بیماری‌زا و افزایش وقوع بیماری‌ها و کمپلکس تنفسی و متعاقبا افزایش تلفات را در پی دارد.

این مهمان ناخوانده به صورت مستقیم فعالیت‌های اقتصادی را در این استان مختل کرده و به صنایع مختلف، ماشین‌آلات و نیروی انسانی آسیب جدی وارد ساخته است. همچنین این مسئله بر راندمان تولید تاثیر مستقیم داشته و این شاخص را در کوتاه مدت کاهش داده است. (https://www.tasnimnews.com/fa/news)

در حقوق ایران، در راستای تأمین هرچه بیشتر حقوق ملت از جمله حق داشتن محیط زیست سالم که در اصل ۵۰ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است، در سال ۱۳۹۲ قانون جدید آئین دادرسی کیفری به تصویب رسید که به موجب ماده ۶۶ آن «سازمان های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می توانند نسبت به جرایم ارتکابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند.»

در ایران با تصویب ماده ۶۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، طرح دعاوی زیست محیطی توسط سازمان های غیردولتی حمایت از محیط زیست امکان پذیر شده است و با رفع مشکلات ناشی از احراز سمت در دادگاه ها انتظار می رود که طرح این قبیل دعاوی با سهولت بیشتری روبه رو شود.

مسئولیت مدنی دولت و مفهوم آن

مسئولیت مدنی در دو معنای عام و خاص کاربرد دارد. معنای عام مسئولیت مدنی اعم از این است که ریشه ی مسئولیت، قراردادی باشد یا قهری و معنای خاص آن منصرف از مسئولیت قراردادی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳) به عبارت دیگر، مسئولیت غیرقراردادی به مواردی مربوط می شود که قانونگذار تکالیف عامی را برای همگان تعیین کرده و در اثر تخلف از این تکالیف عمومی خسارتی به دیگران وارد شود و بر مبنای این مسئولیت، رابطه ی عینی بین زیان دیده و مسئول پیش آید. (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۳) شایان ذکر است که مراد از مسئولیت مدنی در این نوشتار معنای خاص آن است.

واژه ی دولت نیز گاهی در معنای عام به کار می رود و گاهی هم در معنای خاص. دولت به معنای عام کلمه شامل همه ی قوای عمومی و دستگاه های حاکمیتی است. تقسیم اعمال دولت به دو دسته اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی ، اولین بار بوسیله علمای حقوق اداری فرانسه مطرح شد.در قوانین ایران ،تعریف دقیق و روشنی از اعمال حاکمیت و تصدی ارائه نشده است.اعمال حاکمیتی مشتمل بر نقص وسایل واعمال قوای سه گانه و اعمال تصدی دولت مشتمل برخسارات وارده ناشی از قراردادهای اداری،تقصیر اداره،خسارات ناشی از مخارج فوق العاده و تصمیمات وعمل حاکم است که موجب خسارات میشوند این قبیل زیانها ناشی از برخلاف واقع بودن اعمال حقوقی،تخطی از صلاحیت ،تجاوزو سوءاستفاده از اختیارات،تخلف از اجرای قوانین و مقررات و خودداری از انجام وظیفه می باشد . جهت احراز خسارات مذکور آرای صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری،نیاز است که بیانگر این است ، دیوان عدالت اداری به کلیه ی شکایات مردم علیه قوای حاکمیتی

رسیدگی می کند، یعنی دولت را در معنای عام آن بکار می برد. (استوار سنگری، ۱۳۹۰: ۵) ولی دولت به معنای خاص تنها شامل قوه ی مجریه است.

مسئولیت مدنی دولت، نتیجه ی منطقی حاکمیت قانون است و عدالت حکم می کند که هیچ قانون شکنی و زیانی چه مادی و چه معنوی بدون جبران باقی نماند. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۷: ۶۲) از آنجا که دولت به عنوان خدمت گذار مردم گاهی زیان هایی را جبران می کند که آنها را به وجود نیاورده، لازم است مبانی مسئولیت مدنی دولت با تأکید ویژه بر رابطه ی سببیت بین فعل یا ترک فعل دولت و ایجاد آلودگی در محیط زیست بررسی شود. از اینرو در ادامه بحث پس از ذکر راه های مقابله با ریزگردها، بحث را با تفکیک بین آلودگی های قابل انتساب به دولت و آلودگی های غیرقابل انتساب به دولت پی می گیریم.

مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی های زیست محیطی قابل انتساب به دولت (نظریه هایی در این راستا وجود دارد، من جمله؛ نظریه تقصیر، نظریه خطر، نظریه نفی ضرر، نظریه احترام اموال) و غیرقابل انتساب به دولت (نظریه خدمت عمومی، نظریه استحقاق) می باشد که به منظور پرهیز از اطاله ی کلام از تفصیل این امور معذوریم. ۱

در انتخاب مبنایی برای جبران خسارت های زیست محیطی به وسیله ی دولت، بهتر است بین چند فرض تفکیک قائل شد: در فرضی که ورود زیان قابل انتساب به دولت است، بهترین راه معتقد شدن به مسئولیت محض در راستای قاعده ی لاضرر یا احترام اموال که آن هم در نهایت به قاعده ی لاضرر منتهی می شود، است؛ یعنی در وهله ی اول زیانی که در اثر عملکرد مقام عمومی یا نقص وسایل اداری به محیط زیست وارد می شود، توسط دولت جبران شود و در نهایت برای حفظ جنبه ی بازدارندگی مسئولیت مدنی و کاهش هزینه های دولت چنانچه تشخیص داده شود که زیان در نتیجه ی رفتار نامتعارف مقام عمومی حاصل شده است، دولت غرامت پرداختی را از او دریافت کند. با این شیوه خسارت های زیست محیطی بهتر جبران می شود و مسئولیت مدنی نیز جنبه ی بازدارندگی خود را حفظ می کند و هزینه های دولت نیز بی رویه افزایش نمی یابد. اما در فرضی که زیان قابل انتساب به دولت نیست، برای مثال زمانی که عامل زیان قادر به پرداخت غرامت نباشد یا شناسایی نشود یا اصلاً فاعل مختاری در ورود ضرر نقش نداشته باشد، نظر به اهمیت فراوان محیط زیست بهتر است دولت وارد عمل شود و براساس نظریه ی استحقاق، جامعه را از تحمل آلودگی های محیط زیست برهاند، زیرا همانطورکه گفته شد، حق برخورداری از محیط زیست حق همگانی است که در قوانین و مقررات مختلف مورد حمایت قرار گرفته است و این نشان می دهد که دولت ایران خود را موظف دانسته که از هر طریقی دست یابی مردم به این حق را تضمین کند و جبران خسارت های زیست محیطی از جمله مقابله با ریزگردها را در دستور کار خود قرار دهد. (احمدی و علم خانی، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۹۵) در ذیل به این راهکارها در دو مولفه ی مقابله با ریزگردها و تعهدات دولت ایران در قبال آن می پردازیم.

بند یک :حقوق ایران و تشکیل دادگاه جهت رسیدگی به دعاوی زیست محیطی علیه دولت

بر اساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ اشخاص حقوق خصوصی می توانند علیه تصمیمات و اقدامات دولتی که به آلودگی های محیط زیست منجر می شود، به طور مستقل در دیوان عدالت اداری طرح دعوی کنند. رسیدگی دیوان عدالت اداری منحصر به تشخیص استحقاق یا عدم استحقاق زیان دیدگان بوده و به موجب تبصره ۱ همان ماده پس از تأیید استحقاق از طرف دیوان، زیان دیدگان به منظور مطالبه حقوق خود در محاکم عمومی طرح دعوی می کنند.

اگرچه امکان طرح دعوی علیه اقدامات دولتی که به آلودگی محیط زیست منجر می شود از سوی اشخاص حقوق خصوصی به طور مستقل وجود دارد، به طور معمول این اشخاص دعاوی خود را از طریق نهادهای عمومی صلح (مانند سازمان محیط زیست) دنبال می کنند.

به موجب مواد ۹، ۱۱ و ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و بند ج ماده ۱۲ و بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید و اصلاحیه آن، سازمان محیط زیست دارای اختیارات لازم برای جلوگیری از آلودگی هاست. از آنجا که این سازمان، زیر نظر قوه مجریه است، دعاوی که از سوی آن طرح می شود، دعوای دولت محسوب می گردد و اگر طرف دعوا نیز واحد دولتی باشد، رسیدگی به پرونده در صلاحیت دادگاه های عمومی است. (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۸۳)

با توجه به مقدمات مذکور می بایست به این نکته اذعان نمود که دولت با اقدامات غیرقانونی خود در استخراج نفت از تالاب هورالعظیم، جاده سازی، خشک کردن تالاب و رها نمودن اراضی ملی و ... به تشدید گرد و غبار و ریزگردهای استان خوزستان دامن زده است که زندگی مردمان این منطقه را با خطر جانی روبه رو ساخته است. بنابراین، با تمسک به مواد مزبور در حقوق ایران می توان علیه دولت دعوی شکایت و اعاده ی حق نمود. با این اوصاف در ذیل به بررسی تصمیمات دادگاه ها پیرامون پرونده های محیط زیست علیه دولت می پردازیم.

بند دوم: دادگاه ها و تصمیمات آنها پیرامون پرونده های محیط زیست و ریزگردها

هرچند تصمیمات دادگاه ها تا حد زیادی مختص هر قضیه است و به طبیعت تخلف و تقاضاهای به عمل آمده در آن قضیه بازمی گردد، اتخاذ تصمیمات ذیل از سوی دادگاه ها ممکن است:

۱ – دستور موقت

از آنجا که جبران خسارت های محیط زیست اغلب اوقات نمی تواند وضع را به حالت سابق برگرداند، بر اساس قاعده «وجوب دفع الضرر المحتمل» که از قواعد فقه اسلامی است، باید از اقداماتی که احتمال می رود به محیط زیست آسیب برساند، جلوگیری به عمل آید. (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۱)

دستور موقت یکی از راهکارهای قدیمی است که می تواند از آلودگی یا دیگر آسیب های زیست محیطی بکاهد. این راهکار به طور معمول پس از ارزیابی جبران ناپذیر بودن زیان و تهدید سلامت عمومی، به طور خارج از نوبت صادر می شود. (دینا شیلتون، ۱۳۸۹: ۱۳۹)

۲ – اعاده وضع به حالت سابق

بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون لوگانو، تدابیر اعاده وضعیت را به عنوان هرگونه تدابیر متعارف و معقول با هدف اعاده یا بازگرداندن اجزای صدمه دیده یا تخریب شده محیط زیست یا در صورت معقول بودن ایجاد معادل اجزای مذکور محیط زیست تعریف می کند.

به موجب رأی شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه، مشخصه مسئولیت مدنی عبارت است از برقراری مجدد و اصلاح دقیق امور به نحوی که بتوان تعادل و موقعیت از کف رفته زیان دیده را با جای دادن وی و با هزینه مسئول در وضعیتی که اگر فعل زیان بار رخ نداده بود قربانی در آن موقعیت یافت می گردید، ایجاد کرد. (قسمتی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۲)

بر این اساس که اعاده وضع به حالت سابق بهترین و کامل ترین طریق جبران خسارت وارده بر محیط زیست است، دادگاه ها با توجه به ارزش مواهب طبیعی باید تا حد ممکن از بین اقسام روش های جبران خسارت از این روش استفاده کنند. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۱۰)

۳ – الزام به پرداخت ضرر و زیان

وقتی چند عامل موجب تخریب محیط زیست شوند، مسئولیت پرداخت هر یک را چگونه باید محاسبه کرد؟ در قوانین ایران در این مورد مطلبی وجود ندارد و فقط سخن از مسئولیت رانده اند؛ بدون آنکه تعیین کنند مسئولیت تخریب گران تضامنی است یا نسبی. اگرچه در اسناد تجاری در قانون تجارت و در مسئولیت غاصبان، مسئولیت تضامنی پذیرفته شده است، جا دارد که تصریحی برای مسئولیت تضامنی در چنین مواردی در نظر گرفته شود، زیرا تضمینات بیشتری برای جبران ضرر وارده فرآهم می آورد. (قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

برای مثال، بر اساس ماده ۴۶ قانون توزیع عادلانه آب: «آلوده ساختن آب ممنوع است، مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط زیست محول می شود.»

در برنامه اول توسعه، مهمترین توجه به منظور حفاظت از محیط زیست، در تبصره ۱۳ قانون برنامه کشور گنجانده شد. به موجب این تبصره «کارخانجات و کارگاه ها موظفند یک در هزار فروش تولیدات خود را با تشخیص و نظارت سازمان حفاظت محیط زیست، صرف کنترل آلودگی ها و جبران زیان ناشی از آلودگی ها و ایجاد فضای سبز نمایند.» (دادگر، ۱۳۷۹: ۶)

۴ – در نظر گرفتن مجازات

هدف از مجازات ابراز مخالفت اجتماع با رفتار ممنوعه و ارسال پیامی بازدارنده برای بازداشتن رفتارهای مشابه است.

برخی دادگاه ها مجازات های مالی را به دلیل تخلف از حقوق محیط زیست علیه حکومت ها صادر کرده اند. در قضیه محیط زیست کانادا علیه دولت سرزمین های شمال غربی کانادا، یک قاضی در دادگاه سرزمینی سرزمین های شمال غربی کانادا حکومت سرزمینی شمال غربی را به دلیل تخلیه غیرقانونی فاضلاب تصفیه نشده به مردابی در جریزه بافین به پرداخت ۴۹۰۰۰ دلار کانادا جریمه و ۴۰۰۰۰ دلار دیگر محکوم کرد. طرف های دعوا استدلال کردند که حکومت باید از پرداخت مجازات مالی معاف شود، زیرا پرداخت جریمه ها، به غیر از انتقال پول مالیات دهندگان از حساب بخشی از حکومت به بخش دیگر کاری انجام نخواهد داد. اما به نظر دادگاه، رفتار غیرقانونی حکومت نباید دست کم شمرده شود، زیرا رفتاری مغایر با زمامداری و تخلف از ید امانی است و موجب مسئولیت حکومت برای حفاظت از گونه ها و محیط زیست می شود. (دینا شیلتون، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

مسئولیت مدنی ناشی از اقدام علیه محیط زیست در حقوق ایران

بند یک: منابع قانونی

در حقوق ایران به طور کلی در مورد مسئولیت مدنی، قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی حاکم است. در مورد قانون و یا مبنای مسئولیت ناشی از اقدام علیه محیط زیست ممکن است گفته شود که قوانین فوق در مورد آلودگی محیط زیست نیز حاکم است و درمورد مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران برخی اساتید حقوق مدنی باستناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی می پذیرند که علی الاصول مسئولیت مبتنی بر تقصیر است مگر در مواردی که قانون صریحاً مسئولیت غیر تقصیر را پیش بینی کرده باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۲۱)

در مقابل برخی از نویسندگان عنصر تقصیر را مبنای مسئولیت مدنی نمی دانند. به این صورت که نگاه خاص حقوق ما به مبنا و شرایط مسئولیت مدنی و قرار دادن عنصر تقصیر در عداد عوامل مثبت رابطه علیت و استناد خسارت به شخص و نه در زمره شرایط اصلی مسئولیت، به سیستم حقوقی ما این اجازه را می دهد که برای شناخت مسئولیت دار بودن خطا، بدون نیاز به مساعی و نظریه سازیهای پیچیده در هر موردی که رابطه استناد میان خسارت و فعل شخصی بدون احتیاج به اثبات تقصیر از دید عرف محرز باشد مسئولیت نگاهدارنده شی یا حیوان یا غیر را به رسمیت بشناسد. (بابایی، ۱۳۸۰: ۸۹-۸۸)

نظریه دوم که استناد عرفی را مبنای مسئولیت مدنی می داند، از این لحاظ که عرف رامعیار تشخیص می داند بسیار قوی است زیرا حتی در مواردی که قانون دروقوع خسارت تردیدداشته باشدعرف چنین تردیدی به دل راه نمی دهد و شناسایی عرف در میزان خسارت وحتی قابلیت مطالبه و نوع خسارت بسیار مطلوب و پسندیده است. اما نمی توان به عنوان یک مبنای جدید و تئوری جدید در مسئولیت مدنی پذیرفت و بر مبنای دیگر مسئولیت اضافه کرد.

زیرا نظریه موسوم به "استناد عرفی " تنها در ترسیم رابطه سببیت نقش دارد و نه به عنوان مبنای جدید، در واقع ما باید به دو سوال پاسخ دهیم، اول این که چه کسی باید خسارت وارده را جبران کند؟دومین سوال نیز این است که اصلاً چرا باید جبران خسارت کند؟

با پاسخ سوال می توان به استناد عرفی اشاره کرد و در رابطه با مسئولیت ناشی از خسارتها یا آلودگی های زیست محیطی، مبنای مسئولیت تقصیر نیست و تئوری پذیرفته شده در غالب مسئولیت ها را نمی توان به مسئولیت زیست محیطی تسری داد.به عبارتی می توان گفت که مبنای مسئولیت زیست محیطی است مسئولیت محض به دلایل زیر:

الف: از جهت قابلیت استناد قانون مسئولیت مدنی

ماده اول قانون مسئولیت مدنی ترجمه ماده ۸۲۳ قانون آلمان است. (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۱۸۱) در حقوق آلمان نیز مسئولیت مبتنی بر تقصیر است، اما راجع به قابلیت استناد ماده ۸۲۳ قانون مدنی آلمان در مورد خسارتهای خالص زیست محیطی، حقوق دانان و رویه قضائی این کشور عقیده دارند که در مورد خسارتهای خالص زیست محیطی قابل استناد نیست و بنابراین نمی توان به استناد قانون مدنی آلمان خسارتهای زیست محیطی را مطالبه کرد. سپس در آلمان دو قانون خاص در رابطه با حفاظت از محیط زیست به تصویب رسید یعنی، قانون مدیریت منابع آبی (ماده ۲۲) مصوب ۱۹۵۷ و قانون مسئولیت و قانون مسئولیت محیطی که در ۱۹۹۰ به تصویب رسید ولی بعد از تصویب قوانین فوق همچنان رویه قضائی و حقوقدانان این کشور خسارتهای سنتی را تابع قوانین مذکور می دانند ولی خسارتهای خالص زیست محیطی در حقوق کنونی آلمان نیز قابل مطالبه نمی باشدچه برسد به حقوق ایران که چنین قوانینی هم تصویب نشده است.

علاوه بر این قانون مسئولیت مدنی ناظر به اموال و حقوق خصوصی افراد است در واقع تنها اشخاص و اموال و حقوق خصوصی تابع مقررات مسئولیت مدنی است و حقوق و اموال عمومی از حمایت های قانون مذکور بی بهره است.

در قانون مسئولیت مدنی از عباراتی مانند "ضرر و زیان مادی یا معنوی دیگری" یا "افراد" استفاده شده است در حالی که محیط زیست و اموال آن مال یا حق دیگری محسوب نمی شود بلکه یک حق عمومی است به عبارت دقیقتر خسارتهای زیست محیطی شامل خسارتهای سنتی یعنی خسارت بر اموال خصوصی و اشخاص نمی شود و تابع قوانین خاص هستند. یکی از اساتید حقوق در این زمینه می نویسد: " ماده۱ قانون مسئولیت مدنی منحصراً ناظر به حقوق خصوصی افراد است و حقوق عمومی را حمایت نمی کند. حقوق و اموال عمومی بوسیله قوانین دیگر حمایت شده است." (همان، ۱۸۱)

ب: از جهت کارکرد و هدف

مشهوراست که می گویند هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت است که در تعریف مسئولیت مدنی نیز گفته شده است که در هر موردی که شخص ملزم به جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۶) از آنچه از قانون مدنی اتلاف مال غیر و قانون مسئولیت مدنی استنباط می شودتنها ناظر به جبران خسارت اموال خصوصی می شود و اینکه وضعیت زیان دیده به حالت اولیه برگردانده شود در حالیکه در محیط زیست جبران خسارت وجود ندارد بلکه اصلاح و بازسازی، پاکسازی و ترمیم محیط زیست آلوده شده یا خسارت دیده است چنانچه ضرب المثلی در این زمینه می گوید انسانها جبران خسارت می شوند اما اشیاء اصلاح و بازسازی.

بند دوم : مبنای حقوقی

برخلاف مسئولیت مدنی سنتی که با مسئولیت ناظر به خسارتهای واقع شده مواجه هستیم برعکس، در مورد مسئولیت زیست محیطی ما با مسئولیت ناظر به آینده و خسارتهایی که هنوز واقع نشده مواجه هستیم یعنی خسارتها یا آلودگی که هنوز واقع نشده ولی درآینده واقع خواهد شد که درواقع خطر جدی وقوع خسارت در آینده به محیط زیست، مسئولیت زیست محیطی محقق می شود. طبق اصل ۵۰ قانون اساسی که اصل پیشگیری هم در آن مورد پذیرش قرار گرفته وبه معنای این است که مسئولیت زیست محیطی خلاف سایر مسئولیت ها، مسئولیت پیشگیری و ناظر به آینده است که مبتنی بر اصل پیشگیری است. به عبارت دیگر در مورد خسارتهای زیست محیطی مسئولیت مدنی از تعهدهای متفاوت تشکیل شده است:

- تعهد ومسئولیت به پیشگیری و جلوگیری از آلودگی یا خسارت زیست محیطی (اصل ۵۰ قانون اساسی)
- تعهد به اصلاح و ترمیم خسارت زیست محیطی در صورت وقوع خسارت یا آلودگی
- تعهد به جبران در صورتی که ترمیم و پاکسازی محیط زیست امکان نداشته باشد. (audlcpaa@gure)

بنابراین بطور کلی می توان گفت که قانون مسئولیت مدنی در مورد خسارتهای زیست محیطی که بویژه ماده ۱ آن قانون، مسئولیت مبتنی بر تقصیر را در حقوق ایران اصل، قرارداده، قابل استناد نیست ومقررات قانون مدنی بویژه باب اتلاف که ناظر بر اتلاف مال غیراست و ناظر به اموال خصوصی است در مورد خسارتهای زیست محیطی قابل استناد نمی باشد. بنابراین برای تعیین مبنای مسئولیت و خسارت ها و یا نوع مسئولیت به قوانین خاص راجع به حفاظت از محیط زیست مراجعه شود.

اصل ۵۰ قانون اساسی مقرر می دارد که در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد بایددر آن حیات اجتماعی روبه رشد داشته باشند یک وظیفه عمومی تلقی می گرددداز این رو فعالیت های اقتصادی غیرآن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن لازمه پیدا کند ممنوع است.

در اصل مذکور، اصل پیشگیری مهم ترین پیکره آن است بنابراین مهم ترین و اصلی ترین استنباط حقوقی در رابطه با اصل ۵۰ قانون اساسی پیش بینی اصل معروف " پیشگیری " در رابطه با خسارتها و تخریب محیط زیست است. بنابراین همانطورکه اشاره شد در مورد مسئولیت زیست محیطی، مسئولیت ناظر به آینده است که باید از وقوع آلودگی یا تخریب آن جلوگیری شود چون بسیاری از خسارتها و آلودگی های زیست محیطی در مدت طولانی آشکار می شوند و بنابراین ممکن است اثر آن در نسلهای بعد ظاهر شود که ضرورت دارد در آلودگی پیشگیری شود.

در مورد مسئولیت های پیشگیری در کشورهای مختلف در دستور العمل مصوب ۲۰۰۴ پارلمان و شورای اروپا که تمام کشورهای عضو اتحادیه مکلف به تنظیم قواعد مسئولیت زیست محیطی مطابق آن هستند، مسئولیت پذیرفته شده محض است زیرا گفته می شوداز طریق اجرای مسئولیت محض اهداف اصل پیشگیری و رعایت اصل پیشگیری بیشتر تامین می گردد. چرا که اگر متصدی ببیند که در صورت آلودگی محیط زیست باید آن را اصلاح و پاکسازی کند بیشتر احتیاط می کند و از آلودگی می پرهیزد که عامل بازدارندگی مسئولیت محض بیشتر از سایر مبانی یعنی مسئولیت مبتنی برتقصیر است به خاطر همین در اتحادیه اروپا تقریباً تمام کشورها دست کم در حقوق عمومی مسئولیت محض را برای خسارتهای زیست محیطی پذیرفته اند یا بار اثبات دعوا را تغییر داده اند که از کشورهای گروه اول می توان به آلمان، سوئد و هلند که صراحتاً در قوانین جبران خسارت زیست محیطی مسئولیت محض را پیش بینی کرده اند و از کشورهای گروه دوم که بار اثبات دعوا را تسهیل یا آن را برعکس کرده اند می توان به فرانسه و اسپانیا اشاره کرد.

در ماده ۲۹ و تبصره ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا می خوانیم:صاحبان و مسئولان اینگونه کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده... مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه می باشند. مطالعه متن ماده ۲۹، قانون بیمه اجباری اشخاص ثالث رابه یاد می آورد که با همان لحن و آهنگ، قانونگذار مسئولیتی غیر تقصیری را پیش بینی و بدون اینکه نیازی به اثبات تقصیر یا بی مبالاتی خوانده باشد مسئولیت محقق می شود مگر در صورت اثبات فورس ماژوریا قوه قاهره که تنها دفاع پذیرفته شده در مسئولیت محض است. در ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا قانونگذار اصل معروف آلوده کننده باید بپردازد را نقض کرده که یکی از مهمترین اصول مسئولیت زیست محیطی می باشد چراکه مطابق اصل فوق باید آلوده کننده مسئول باشد نه مالک یا صاحب تاسیس آلاینده. البته مرسوم است که در موردی که قانونگذار هدفش حمایت از زیاندیده یا موضوع خاصی باشد توجه کمتری به عامل زیان می کند بلکه هدفش بیشتر جبران سریع و پالایش محیط زیست آلوده می باشد.

این اقدام قانونگذار را که ناخواسته به شگردی بزرگ دست زده باید ستود، علاوه بر استنباط فوق، به نظر می رسد در تمام مواردی که قانونگذار از الفاظی مانند " ممنوع " استفاده کرده باشد، صرف وجود زیان و رابطه سببیت کافی است.

مثلاً به ماده زیر می توان اشاره کرد: ماده ۹ قانون حفاظت وبهسازی محیط زیست مقرر می دارد که: اقدام به هر عملی که آلودگی محیط زیست را فراهم سازد ممنوع است و آلودگی را هم چنین تعریف می کند منظور از آلوده ساختن محیط زیست، عبارتست از پخش یا

آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن را به طوریکه زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد.

ماده ۳ آیین‌نامه بهداشت مصوب ۱۳۷۱ مقرر می دارد که هر اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی شناخته شود ممنوع است.

علاوه بر قوانین خاص محیط زیست، در اصل ۵۰ قانون اساسی هر اقدامی که موجب آلودگی یا تخریب غیر قابل جبران محیط زیست باشد ممنوع است.

به نظر می رسد در تمام موارد و قوانینی که قانونگذار انجام عملی را نهی کرده باشدانجام دادن عمل نیاز به دلیل دارد و به عبارت دقیقتر صرف وجود خسارت و رابطه سببیت بین عمل وخسارت کافی است درواقع نیازی به اثبات تقصیر یا بی مبالاتی خوانده در این فرض نیست و این تنها ثمره ای است که از نهی قانونگذار در مسئولیت مدنی ظاهر می شود به بیان دیگر به دلایلی که قانونگذار پیش بینی می کرده، انجام عمل یا فعالیتی را ممنوع دانسته است که اگر شخص برخلاف اصل قانون اساسی یا قانون، عملی انجام دهد، صرف انجام عمل، تقصیر وبی مبالاتی است که باید عامل و فاعل، مسئولیت ناشی از آن را هم قبول کند.

بطور کلی در مورد مسئولیت زیست محیطی، جزء در مواردی که در قانون، شرط تخلف از مقررات پیش بینی شده باشد، مسئولیت محض است که حتی وجود و انجام عمل ممنوع فی نفسه بی مبالاتی است که بنابراین انجام دهنده فعالیت آلاینده باید دلیل مانند فورس ماژور یا قوه قاهره را اثبات کند در حقوق ایران انجام فعالیت آلاینده یا مخرب محیط زیست، در صورتی که مطابق حقوق عمومی مجوز داشته باشد پذیرفته می شود ولی در مسئولیت به معنای خاص کلمه، اعطای مجوز اباحه اضرار به غیر نیست و حتی اباحه اضرار به محیط زیست هم نیست چراکه مجوز نمی تواند با اصل قانونی اساسی مغایر باشد.[۱]

با این وجود می بایست به این نکته توجه نمود که در قبال ریزگردها چه کسانی مسئول هستند؟ با نگاهی به اصل ۵۰ قانون اساسی و در نظر گرفتن حق بر هوای پاک و لحاظ کردن اصول فصل حقوق ملت از اصل نوزدهم لغایت ۴۲ و قوانین عادی مرتبط دیگر، همگان مسئول هستند. از دولت مردان گرفته تا نمایندگان مجلس و از دادستان های محترم شهرهای این مناطق از حیث جرم انگاری آلودگی هوا و تکلیفی که شارع مقدس حسب اصل پنجاهم بر عهده آنان گذاشته است دارای مسئولیت هستند و باید ورود پیدا کنند.

طبق مقررات قانون مسولیت مدنی و اصول مسلم حقوقی دولت در برابر این مسله مسئولیت تام حتی نسبت به جبران خسارات وارده را دارد. واقعیت مساله این است که این نوع آلودگی ها از طریق ریزگردها در این مناطق، نقض حقوق شهروندی بوده و مخالف اصول ۲۲ و ۵۰ قانون اساسی است. جان و مال مردم محترم و از کرامت برخوردار و مصون از هر نوع تعرض باید باشد. ریزگردها کرامت و جان شهروندان این مناطق را تهدید و نقض کرده و تاکنون کسی یا نهادی در برابر آن احساس مسولیت نکرده است. (http://www.isna.ir/news)

[۱] به منظور مطالعه ای جامع در این زمینه، بنگرید به: «مجله علمی، حقوقی و انتقادی کانون وکلای دادگستری مرکز (سال ۱۳۶۸، شماره ۲۳۵)

نتیجه گیری و ارزیابی

کاهش میزان آب در سطح کل اقلیم خوزستان ، خشک شدن تالاب های اقلیم خوزستان ، کاهش میزان رطوبت هوا، از بین رفتن پوشش سبز سطح زمین و فقیر شدن لایه خاک، گسترش شن های روان در مساحت های وسیعی از اقلیم خوزستان سبب شد تا فاجعه زیست محیطی بزرگی رخ دهد و محیط زیست اقلیم خوزستان دیگر تاب مقاومت در برابر هجوم طوفان های شن را نداشته باشد و در نتیجه طوفان های شن تمام اقلیم خوزستان را به همراه ۲۱ استان دیگر کشور در برگیرد. استان های غرب کشور و به ویژه اقلیم خوزستان که هیچ گونه کوه یا تپه ای در مرزهایش با عراق ندارد از آلودگی شدید هوا رنج می برند. شاخص استاندارد هوا در اقلیم خوزستان به بیش از ۶۰۰ واحد رسید. این در حالی است که در سطح جهانی مقادیر بالای ۳۰۰ واحد از این شاخص به عنوان بحرانی خطرناک معرفی می شود.درپی آلودگی شدید هوا که در پنج سال اخیر وخیم تر شده است سالانه ده ها هزار تن از مردم اقلیم اهواز در نتیجه نارسایی های قلبی و ریوی به بیمارستان منتقل می شوند و صدها نفر جان خود را از دست می دهند. برخی خبرها نیز حکایت از تولد کودکان فلج در اقلیم اهواز دارد.با وجود توجه همگانی به مسائل محیط زیست و جبران خسارت های وارد بر آن، هنوز هم مشکلاتی بر سر راه جبران کامل زیان های وارده به محیط زیست وجود دارد. یکی از این مشکلات ارزیابی و تعیین مقدار خسارت واردآمده است که بسته به نوع آسیب، راهکارهای مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن طرح دعوای جمعی برای آسیب های زیست محیطی در برخی کشورها پذیرفته نیست و طرفداران محیط زیست بسیاری مواقع در طرح دعوای زیست محیطی با مشکل اثبات سمت مواجه می شوند که این مسئله انگیزۀ آنها را برای مطالبۀ حقوق بنیادین خود تا حد چشمگیری کاهش می دهد. راهکارهای جبران خسارت های زیست محیطی نیز برای انواع خسارت یکسان نیست و گذشته از آن گاهی هیچ کدام از راهکارها نمی تواند خسارات زیست محیطی را کاملاً جبران کند، ولی در مجموع تا حد امکان، بازسازی محیط زیست و اعادۀ وضع به حالت قبل از ورود خسارت می تواند بهترین تصمیم اخذشده از سوی مقامات قضایی باشد.در مورد تشریفات دادرسی در دعاوی زیست محیطی علیه اقدامات دولت شایان ذکر است که هرگاه اشخاص حقوق خصوصی از جمله سازمان های غیردولتی زیست محیطی به طور مستقل به تصمیمات و اقدامات دولت که به آلودگی محیط زیست منجر شده است معترض باشند، دیوان عدالت اداری صالح برای رسیدگی است. البته تعیین مقدار خسارت بر عهدۀ دادگاه های عمومی است. ولی هرگاه اشخاص حقوق خصوصی اعتراض خود را از طریق نهادهای دولتی صالح برای حمایت از محیط زیست (مثل سازمان محیط زیست) مطرح کنند، دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی دارد. در رابطه با ریزگردها، ضرورت اتخاذ تدابیر قضایی، قانونی و اجرایی درسطح ملی جهت کنترل این پدیده ازجمله اجرای مناسب سیاست‌های ممنوعیت تغییر کاربری اراضی جنگلی و تالابی و رودخانه ای برای مقابله با این پدیده نامیمون می باشد.

در پایان، می بایست به این نکته مهم اشاره نمود که اشکال بزرگی بر سازمان حفاظت محیط زیست وارد است و آن این است که این سازمان موظف به نظارت بر عملکرد دولت در حوزه محیط زیست است، اما زیرمجموعه دولت قرار دارد؛ به همین دلیل در قبال دولت وظایفی از جمله همکاری با دولت و برآورده کردن انتظارات وزارتخانه‌ها را بر عهده دارد که این خود مشکلی بنیادی و ریشه ای به نظر می رسد.

منابع و مراجع

[۱] اسپیدینگ، د.ج، آلودگی هوا، ترجمه منصور کیان پور راد، مرکز نشر دانشگاهی، چ اول، تهران، ۱۳۷۱.
[۲] مشهدی، علی، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، جلد اول، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹.
[۳] عرفان منش، مجید؛ افیونی، مجید، آلودگی محیط زیست، جلد دوم، اصفهان، ارکان، ۱۳۸۱.
[۴] استوارسنگری، کورش، مفهوم دولت در آراء وحدت رویه ی دیوان عدالت اداری، مطالعات حقوقی، شماره ۱، صص ۳۴-۱، ۱۳۹۰.
[۵] امیری قائم مقام، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد دوم، نشر میزان، ۱۳۷۸.
[۶] بابائی، ایرج جزوه حقوق مدنی (۴)انتشارات مجتمع عالی قم، سال تحصیلی ۸۱- ۱۳۸۰
[۷] بوتکین، دانیل، شناخت محیط زیست، ترجمه عبدالحسن وهاب زاده، انشتارات جهاد دانشگاهی مشهد،چ اول، ۱۳۸۲.
[۸] بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه، تهران، دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ج۱، ۱۳۸۸.
[۹] بهرامی احمدی، حمید؛ علم خانی، اعظم؛ تأملی بر جنبه های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت های زیست محیطی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۲.
[۱۰] بی‌بی‌سی فارسی، فعالیت‌های نفتی، تالاب هورالعظیم را به مرداب تبدیل می‌کند، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۲؛ ۲ مهر ۱۳۹۱.
[۱۱] پرنیل آگادترولسن، مسئولیت زیست محیطی بعنوان یک ابراز در حقوق محیط زیست دانمارک ص ۲، قابل دسترسی در سایت اینترنت **audlcpaa@gure**
[۱۲] خبرگزاری مهر، تالاب هورالعظیم خوزستان در آستانه نابودی کامل، تاریخ انتشار در روزنامه عصر ایران، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۰.
[۱۳] دینا شیلتون، الکساندر کیس، کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبداللهی، چاپ اول، تهران، خرسندی، ۱۳۸۹.
[۱۴] سواری، رحیم، تالاب هورالعظیم (هور الهویزه). در وبگاه کویرها و بیابان‌های ایران، فروردین ۱۳۹۲.
[۱۵] علیزاده، نسرین، ایران‌شناسی: استان خوزستان درنشریه:، دانش جغرافیا، زمستان ۱۳۸۰ و بهار ۱۳۸۱ - شماره ۴ و ۵، صص ۴۵-۴۰.
[۱۶] فهیمی، عزیزالله، مشهدی، علی، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۲۱۶-۱۹۵، ۱۳۸۸.
[۱۷] قاسم زاده، سید روح الله، بررسی ابعاد حقوق محیط زیست با تأکید بر جنبه های پیشگیری از آلودگی محیط زیست، فصلنامه علامه شماره ۱۵، صص ۱۳۴-۱۰۷، ۱۳۸۶.
[۱۸] قسمتی تبریزی، علی، اصل جبران کامل زیان در مسئولیت مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
[۱۹] کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۸.
[۲۰] کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، نشر میزان، چاپ دوم ۱۳۷۸
[۲۱] مسئولیت ناشی از اقدام علیه محیط زیست در حقوق ایران و آیین دادرسی/ احکام دعاوی راجع به مسئولیت زیست‌محیطی در محاکم قضایی ایران ، مجله علمی، حقوقی و انتقادی کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۳۵، ۱۳۶۸.
[۲۲] موسی زاده، رضا، حقوق اداری، چاپ دهم، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
[23] wikipedia.org/wiki/Hawizeh_Marshes
[24] www.wikipedia.ir
[25] http://www.isna.ir/news
[26] http://www.angorej39.blogfa.com/9101.aspx
[27] http://www.padmaz.org/arabicwp/?p=210
[28] http://www.mehrnews.com/new
[29] https://www.tasnimnews.com/fa/new